

## نقد «فلسفه پول» زیمل و تخصص گرایی آکادمیک

سید محمدرضا امیری طهرانی\*

### چکیده

کتاب فلسفه پول مهم ترین اثر گنورگ زیمل است که پس از گذشت نزدیک به یک سده فراموشی دوباره در آکادمی ها مورد توجه قرار گرفته است. این کتاب برخلاف عنوان آن درباره اقتصاد نیست، و به موضوعات فرارشته ای در قلمروهای فلسفه، فرهنگ، روانشناسی، علوم اجتماعی و اقتصادی می پردازد. این مقاله دو هدف را دنبال می کند؛ نخست معرفی اجمالی محتوای کتاب و دوم، تحلیل نسبت این کتاب با تخصص گرایی آکادمیک. برای هدف یکم، سعی شده است که مهم ترین مقولات بحث شده در فلسفه ی پول به خلاصه معرفی شود. اما هدف دوم از دو حیث بررسی شده است، نخست، دلایل مطرح شدن این اثر پس از یک دوره طولانی چشم پوشی از آن را در جهان معاصر چیست، و دوم این که نسبت این اثر با وضعیت علوم انسانی و اجتماعی در ایران کدام است. بدین منظور، در آغاز نظریه ی فرم های زیمل بررسی می شوند و سپس بر اساس نظریه فرم ها، مقولات عینیت یافتگی / شیء شدگی، سوژه-ابژه، مدرنیته، زیبایی شناسی، هدف- وسیله، و فرم دین در فلسفه ی پول معرفی می شوند. در ارزیابی نسبت فلسفه پول با تخصص گرایی آکادمیک در جهان معاصر و به ویژه ایران، به رونق یافتن رویکرد فرارشته ای در علوم انسانی و اجتماعی و هم چنین نسبت دین با این علوم می پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** زیمل، فرم های تاریخی، فلسفه پول، فلسفه اجتماعی، میان رشته ای.

---

\* استادیار فلسفه علم و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، amiritehrani@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

## ۱. مقدمه

گئورگ زیمل فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۵۸-۱۹۱۸) است که کتاب و مقاله‌های متعددی در زمینه‌ی روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، فرهنگ، دین و فلسفه نوشته است. غیر از فلسفه پول، نام مهم‌ترین کتاب‌ها و مجموعه مقالات چاپ شده از او به زبان فارسی چنین است؛ شوپنهاور و نیچه (ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست، نشر علم)، مقالاتی درباره دین (ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست، نشر ثالث)، مقالاتی درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی (ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست، نشر ثالث)، مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی (ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست، شرکت سهامی انتشار). زیمل افزون بر کتاب‌های یاد شده، مقالات متعددی نیز در این زمینه‌ها منتشر کرده است.

افزون بر این کتاب‌ها، زیمل آثار دیگری نیز دارد که برخی از آنها از زبان آلمانی حتی به زبان انگلیسی برگردانده نشده است. کتاب‌هایی مانند: مقدمه‌ای بر علم اخلاق، درباره‌ی تمایز اجتماعی، مسائل فلسفه‌ی تاریخ، مادرشهر و حیات ذهنی، کانت، فلسفه‌ی مد؛ کانت و گوته، دین، جامعه‌شناسی؛ پژوهش‌هایی درباره‌ی بساختن فرم‌های اجتماعی، مسائل اصلی فلسفه، فرهنگ فلسفی، پرسش‌های زمینه‌ای جامعه‌شناسی، نگرش زندگی درباره فلسفه هنر.

زیمل در دوره‌ای از حیات علم می‌زیسته است که معرفت‌شناسی‌ها، روش‌شناسی‌ها و رشته‌های علوم انسانی در حال شکل‌گیری و تعریف مرزبندی‌های خود بوده است. رویکرد علمی غالب در این دوره، تحت تأثیر پیشرفت‌های علوم طبیعی، رویکرد اثبات‌گرایی بود. البته رویکرد تاریخی و هرمنوتیک نیز در فضای آکادمی‌های آلمان در حال بالیدن بود. زیمل رویکرد پوزیتیویستی به علم را رد می‌کرد و گرچه رهیافتی تاریخی به شناخت داشت، اما تفاوت دیدگاه‌های خود را با هرمنوتیک دیلتای کتمان نمی‌کرد.

رویکرد فرارشته‌ای زیمل، مطالعات و پژوهش‌های او را کم‌مخاطب کرده بود. نتایج تحقیقات او در هیچ‌یک از رشته‌های رسمی دانشگاه‌های آلمان و حتی اروپا جایگاهی نداشت. زیمل همان قدر مورد خشم اقتصاددانان بود که فیلسوفان با او سر ناسازگاری داشتند. گرچه یهودی بودن او در جلوگیری از دریافت کرسی تدریس در دانشگاه برلین بی‌تأثیر نبود، اما دلیل اصلی این خشم در روش مطالعات فرارشته‌ای او نهفته بود که با تخصص‌گرایی آکادمیک و رو به رشد سازگاری نداشت. برای آشنایی بیشتر با رویکرد روش‌شناختی او، به‌طور مختصر نظریه فرم‌های او را بررسی می‌کنیم.

## ۲. نظریه فرم ها

تمام کارهای زیمل مبتنی بر این فرض است که جهان چه به منزله ی کل و چه وجوه خاص آن تنها هنگامی ابژه های ممکن برای شناخت و یا تجربه خواهد بود که توسط فرم یا فرم هایی قوام یابند. (زیمل، ۱۳۸۶، ۱۷) به عبارت دیگر، وجوهی از واقعیت را می توان به مثابه ی ابژه های ممکن تجربه و شناخت درک کرد که ذیل فرمی مقوم و سازنده قرارگیرند. از این رو فرم را می توان در حکم شاکله ای مفهومی توصیف کرد که کارکردی شناخت شناسانه دارد، یعنی شرایطی را تعیین می کند که تحت آن ها می توان جهان را به نحوی خاص تجربه کرد و نشان داد، شرایطی که تحت آن ها جهان می تواند متعلق نوعی خاصی از تجربه و شناخت قرارگیرد. (زیمل، ۱۳۸۶، ۱۹)

او فرم ها را هم چون زبان هایی توصیف می کند که جهان یا وجوهی از آن را می توان به آنها ترجمه کرد. این زبان ها را می توان شاکله هایی کلی تلقی کرد که شرایطی را برای قابل فهم بودن جهان به مثابه ی کل یا وجوه خاصی از آن تعیین می کند. (زیمل، ۱۳۸۶، ۱۹) از این رو گزاره نیست که مفهوم فرم یا صورت را ابزار روش شناختی اصلی زیمل به شمار آوریم. (زیمل، ۱۳۸۶، ۱۷)

برای مثال علم یک فرم یا صورت است. زیرا پیش فرض های آن شرایطی را بیان می کند که تحت آن ها می توان هر پدیده ای را ابژه ی علم تلقی کرد. تاریخ به همین دلیل فرم است، یعنی هر پدیده ای تنها در صورتی می تواند متعلق شناخت تاریخی قرار گیرد که توسط مقولات مقوم تاریخ درک شود. همین مطلب برای فرم های هنر و دین نیز صادق است. بنابراین فرم مقوله ای شناخت شناسانه است. (زیمل، ۱۳۸۶، ۱۹-۲۰)

زیمل ادعا می کند که فرم های خاصی وجود دارند که می توانند «تمام درون مایه های منطقی ممکن بی شمار» را به طوری درک و احاطه کنند که جهان یا کیهان یک پارچه ی واحدی تولید شود. مثالهایی که زیمل از چنین فرمهای جهانی یا کلی ذکر می کند، شناخت، هنر، دین، ارزش و معنا است. جهان های متفاوتی که بوسیله ی این فرم های جهانی قوام می یابد «همه بر یک سطح هستی شناختی واحد قرار می گیرند». (زیمل، ۱۳۸۶، ۲۸)

زیمل معتقد است که جهان توسط انواع کثیری از فرم ها قوام می یابد. محتوای واحد یک پدیده ممکن است پذیرای فرم های متفاوتی باشد، و فرمی واحد ممکن است در محتوا یا درون مایه های بسیار متفاوت پدیده های مختلف تحقق یابد. این امر در مورد انسان نیز صادق است. به دلیل این که رفتارها و کنش های انسان توسط انواع متفاوتی از

فرم‌ها فرام می‌یابد، می‌توان نتیجه گرفت که هر پدیده‌ی مفروضی ممکن است نه تنها متعلق شناخت نظری، بلکه ارزیابی زیبایی‌شناسانه و معنای مذهبی نیز باشد. از نظر زیمل، هر جنبه‌ای از واقعیت همین خصیصه را نمایش می‌دهد که می‌تواند به انواعی از فرم‌ها درک و دریافت شود. (زیمل، ۱۳۸۶، ۲۶-۲۷)

نکته‌ی بسیار قابل تأمل در فرم‌های جهانی یا کلی، این است که زیمل ارزش هستی‌شناختی آن‌ها را یکسان می‌داند. بدین معنی که ارزش هستی‌شناختی فرم شناخت و علم بیشتر از ارزش هستی‌شناختی هنر و دین نیست. از دیدگاه زیمل هیچ یک از فرم‌ها بر دیگری سلطه ندارد و هیچ یک، فرد را از دیگری بی‌نیاز نمی‌کند. این نکته متضمن این امر است که نیل به جامعیت در مطالعه، مستلزم تأمل درباره‌ی پدیده‌ها بر اساس همه‌ی فرم‌های مقوم است. اگرچه زیمل به امکان عدم قطعیت در خطوط مرزی میان فرم‌ها در موارد خاص اعتراف می‌کند، اما قائل است که امکان تلاقی یا هم‌پوشی این فرم‌های جهانی وجود ندارد. علت آن است که هر یک از این فرم‌ها «تمامیت ماده‌ی خام کیهان را به زبان خاص خود بیان می‌کند.» (زیمل، ۱۳۸۶، ۲۸-۲۹)

حال پس از معرفی اجمالی نظریه فرم‌های زیمل چونان روش‌شناسی آثار او، که آشکارا رویکردی ضد تخصص‌گرایی آکادمیک دارد، به نحوه‌ی به‌کارگیری این روش در کتاب فلسفه‌ی پول، و هم‌چنین بررسی مهم‌ترین مفاهیم و مقولات این کتاب می‌پردازیم.

### ۳. فلسفه‌ی اشیا

زیمل چونان یک فیلسوف، برخلاف سنت فلسفی و روش متعارف فیلسوفان گذشته و معاصر خویش، مطالعه خود را از پدیده‌های سطحی و اشیا آغاز می‌کرد. به گفته‌ی پیتینن، از نظر فلسفی، نمایش زیمل از اشیا در زمان خودش کاملاً انقلابی ظاهر شد. تا آن زمان فلسفه خود را به آن چه کلی، ابدی، ازلی و عمیقاً مهم بود مشغول داشته بود. برعکس، زیمل با نظریه پردازی اشیا، توجه خود را به آنچه دنیایی، زودگذر و بی‌اهمیت به نظر می‌رسید، معطوف کرد. حتی تئودور آدورنو که زیمل را در موارد دیگر به باد انتقاد گرفته بود، از او به خاطر اعمال تغییر در تمرکز فلسفه به اشیا انضمامی، تقدیر کرد. (پیتینن، ۲۰۱۰،

البته مراد زیمل از اشیا، فقط چیزهای محسوس و مادی نبود، بلکه هم چنین مقولات، هنجارها، بازنمایی‌ها، آثار هنری، یافته‌های علمی، فرم‌های اجتماعی و مانند آنها را دربرمی‌گرفت. (پیتینن، ۲۰۱۰، ۱۱۳) در اندیشیدن درباره اشیا، زیمل رهیافت خود را به ویژه با افلاطون و هگل مقایسه می‌کند. برخلاف افلاطون، زیمل سطح ظاهری اشیا را صرفاً نمودار و کم و بیش بازتاب ناقص جهان مثل نمی‌بیند. هم‌چنان که زیمل تلاش نمی‌کند که اموری سطحی را به سطح اصالت فلسفی ارتقا دهد، آن‌چنان که هگل انجام داده بود. برخلاف افلاطون و هگل، فلسفه زیمل انضمامی است، به این معنا که اشیا را در سادگی و سطحی بودنشان جدی می‌گیرد. (پیتینن، ۲۰۱۰، ۱۱۳)

زیمل در کتاب فلسفه‌ی پول به طور کامل به فلسفه اشیا‌ی خود متعهد است. دیوید فریزبی یادآور می‌شود که سرآغاز او برای تحلیل اهمیت پول «سطح ظاهری امور اقتصادی» و «جزئیات و ظواهر زندگی»، «سطحی‌ترین»، «واقعی‌ترین» و «تصادفی‌ترین پدیدارها»، «بی‌تفاوت‌ترین سطح زندگی با کمترین حد ایده‌آلیستی بودن» بوده است. از آن سطح «یک میل ژرف‌سنج»، «یک رهنمون» را می‌توان «در اعماق اصلی آن انداخت» تا آن که فاش کند که چگونه «هریک از عناصرش حامل کلیت معنای آن است و توسط آن حمل می‌شود» (زیمل، ۱۳۹۷، ۵۹)

در واقع، زیمل از پدیده‌های سطحی و اشیا آغاز می‌کند و با ژرف‌اندیشی در پیوندهای آن‌ها با یکدیگر تلاش می‌کند که کلیت معنای زندگی را در هر یک از جزئیات آن نمودار سازد. به گفته‌ی فریشایزن-کهلر، قصد زیمل در کتاب فلسفه‌ی پول آن‌گونه که خود آن را صورتبندی کرده است، کشف کردن راهی از سطح رویدادهای اقتصادی به سوی ارزش‌های غایی و اهمیت هر چیز انسانی است. عنصری اقتصادی، از قبیل پول، باید خود را همانا به مثابه نماد دائماً معتبر فرم‌های ذاتی حرکت، عیان سازد. (زیمل، ۱۳۹۷، ۹۵) کراکاوئر نیز معتقد است که مفهوم هسته‌ای وحدت بخش کتاب فلسفه پول را می‌توان به طور خلاصه چنین بیان کرد که از هر نقطه‌ای از این کلیت می‌توان به هر نقطه‌ی دیگری رسید، هر پدیداری بر دیگری تکیه می‌کند و حامی آن است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۰۰)

این پیوند میان سطح پدیدارها و آن‌چه در زیر قرار می‌گیرد درون مایه‌ای روش‌شناختی در چندین اثر زیمل است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۰) اما به گفته‌ی فریزبی، این کثرت سرآغازها و این درهم‌تنیدگی همه‌ی چیزها و شبکه‌ی پیوندها، کشف چیزی را در رویه‌های او که به روشی نظام‌مند نزدیک باشد، برای خوانندگان دشوار می‌کند. از این رو، خود

زیمل دل مشغولی به روش شناسی را به مثابه نوعی شیء شدگی می دانست و روش را چیزی تقریباً مشابه با سبک در هنر تلقی می کرد. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۰۰)

حال پس از معرفی نظریه فرم ها و رویکرد روش شناختی و فلسفه ورزی زیمل در کتاب فلسفه پول، مهم ترین مفاهیم و مضامین این کتاب را معرفی می کنیم. پس از آن به نقد کتاب و نسبت فلسفه ی پول با تخصص گرایی در جهان معاصر به ویژه جامعه نخبگانی ایران خواهیم پرداخت.

#### ۴. معرفی کتاب

کتاب فلسفه پول در یک نگاه کلی به دو بخش عمده ی تحلیلی و ترکیبی تقسیم می شود. هر یک از بخش ها شامل سه فصل است و هر فصل خود شامل سه زیر مجموعه از سرفصل ها است. از دید زیمل فرم ها از درون زندگی خلق می شوند، بدین معنی که نیازهای اولیه ی آدمیان فرم های اولیه یا پیشافرمل هایی را خلق می کند. زیمل در بخش تحلیلی یعنی در سه فصل نخست کتاب، به نیازها و شرایطی پیشینی که موجب فرم های اولیه اند می پردازد تا از این رهگذر تبدیل شدن آن ها به فرم اقتصاد پولی بالغ را توضیح دهد. در سه فصل آخر یعنی ترکیبی به تأییراتی که این فرم اقتصاد پولی بالغ بر زندگی و بر روابط میان آدمیان می گذارد، می پردازد. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۸-۱۹)

یک بخش در صدد آن است که ذات پول را بر اساس شرایط و پیوندهای زندگی در کل روشن و قابل فهم کند؛ بخش دیگر در صدد است که ذات و سازمان مندی زندگی را بر اساس تأثیرگذاری و کارایی پول روشن و قابل فهم کند.

اشمولر هدف از تألیف کتاب را «پی بردن به آن چه اقتصاد پولی، مخصوصاً اقتصاد مدرن قرن نوزدهم، با آدمیان و جامعه، با روابط و توافقی های شان کرده است» می داند. «پول می شود گفت، هم چون نقطه ی کانونی، کلید، مظهر زندگی اقتصادی مدرن و مشغله هایش می نماید»...

او آن چه را ما از پول به لحاظ تاریخی و اقتصادی آن گونه که بوده است می دانیم، ماده خامی تلقی می کند تا آن که از آن به لحاظ جامعه شناختی و فلسفی استفاده کند، به منظور آن که نتایج روان شناختی، اجتماعی، علمی و فرهنگی از آن اخذ کند. (زیمل،

اگر هدف اصلی نگارش فلسفه ی پول را آن چنان که اشمولر می گوید، تحلیل زندگی مدرن بدانیم، با توجه به رواج اندیشه های مارکسیستی در آن دوران، هدف ضمنی آن را می توان واکنش زیمل به اندیشه ی ماتریالیسم تاریخی دانست. فریزبی تصریح می کند که زیمل از طریق نوع خاص تحلیل اش از پول و زندگی اقتصادی درصدد بود

طبقه ای جدید در زیر ماتریالیسم تاریخی بسازد به طوری که ارزش تبیینی ادغام زندگی اقتصادی در آرمان های فرهنگ فکری حفظ شود، در حالی که این فرم های اقتصادی خود به مثابه حاصل ارزش گذاری ها و جریان های ژرف تر پیش شرط های روان شناختی یا حتی متافیزیکی، شناخته شوند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۹۹)

## ۵. اقتصاد پولی

هم چنان که اشاره شد، بنابر رهیافت زیمل هر پدیده ی سطحی و جزئی می تواند مظهر و نمودی از کلیت معنای زندگی باشد. پدیده ی پول برای زیمل از ظرفیت و توان بالقوه ی شگفت انگیزی در شناخت و نشان دادن ماهیت نه تنها اقتصاد بلکه زندگی مدرن برخوردار است. کارل یونل در این ارتباط می گوید:

معنای پول برای او چیزی بیشتر از پول بوده است، به این علت که پول از نظر او نمادی برای جهان است. زیمل تصویری از مبادله به مثابه کل، چونان تصویری از مناسبات مشترک نامتناهی ارائه می کند که نهایتاً خود را به صورت اصل مسلط یک جهان بینی بسط داده است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۹۵)

اشمولر با تأکید بر بعد فلسفی مطالعه ی زیمل می نویسد؛ درست همان طور که دورکیم برداشتی جامعه شناختی - فلسفی از تقسیم کار ارائه می دهد، زیمل نیز در صدد است برداشتی مشابه از پول یا می توان گفت از فرم های اقتصادی مدرن به مثابه یک کل ارائه دهد. چه او کارش را به فراسوی پول می کشاند، او هر آن چه را باید درباره اقتصاد مدرن بگوید پیرامون پول به مثابه مرکز این پدیدارهای گرد می آورد. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۰۲) آلتمان نیز با اشاره به نگاه فرم اقتصادی به جهان به مثابه بازار بزرگ، تأکید می کند که فقط پدیداری اقتصادی مثل پول می تواند در کلیتش تصویری از جهان بدهد که در آن هر چیزی جزئی از کل است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۰۲-۱۰۳)

نظر به جایگاه اقتصاد در جهان مدرن، و هم چنین نقش مبادله و اقتصاد پولی در آن، در تحلیل مدرنیسم نقش پول در کانون توجه زیمیل قرار می‌گیرد. زیمیل از دو حیث به تحلیل پول می‌پردازد؛ نخست به مثابه میانجی مبادله که ویژگی بارز اقتصاد مدرن است، و دوم به مثابه معادل ارزش در اقتصاد پولی. فریزبی در دیباچه‌ی ویراست سوم به جایگاه اقتصاد پولی به مثابه مدرنیته و نقش پول در جامعه‌ی سرمایه‌داری به مثابه‌ی میانجی کلی میان چیزها اشاره می‌کند که معادل کلی همه ارزش‌هاست. (زیمیل، ۱۳۹۷، ۶۰-۶۱)

زیمیل در توضیح میانجی‌گری پول می‌گوید که ما را حتی در فاصله‌ی بنیادی تری از ابژه‌ها قرار می‌دهد؛ به نحوی که بی‌واسطگی تأثرات، حس ارزش، و علاقه به چیزها ضعیف می‌شود؛ و تماس ما با آن‌ها قطع می‌شود و آن‌ها را فقط توسط میانجیگری پول تجربه می‌کنیم. از این رو پول اجازه نمی‌دهد که آن‌ها هستی کامل، خودمدار و بی‌واسطه‌ی خود را به طور کامل ابراز کنند. (زیمیل، ۱۳۹۷، ۶۱)

پول نه تنها در زندگی روزمره چونان میانجی و هم‌چنین معادل کلی همه‌ی ارزش‌ها رسوخ می‌کند، بلکه

خود را به اوج کاملاً انتزاعی، فراسوی همه‌ی انواع گسترده‌ی ابژه‌ها به مثابه آن نقطه‌ی مرکزی برمی‌کشد که در آن کانون، متضادترین، بیگانه‌ترین، دورترین چیزها مبنای مشترک و نقطه‌اتکای شان را می‌یابند. (زیمیل، ۱۳۹۷، ۶۱)

این قلمرو مبادله‌ی پولی، خود استقلالی کسب می‌کند که در آن مبادله صرفاً «محض دو فرایند دادن و گرفتن نیست، بلکه پدیدار جدید سومی است». (زیمیل، ۱۳۹۷، ۶۱) این پدیدار جدید و مستقل، خاصیتی فرهنگی دارد. اسودبرگ در این باره تأکید می‌کند که پول جوهر مبادله است، و این تلقی ذاتی از پول، چونان یک پدیدار فرهنگی است. (اسودبرگ، ۲۱۵، ۱۹۹۴)

فریزبی در توضیح وجه فرهنگی پول خاطر نشان می‌کند که در کتاب فلسفه‌ی پول، تحلیل در هم تنیدگی‌های پدیدارها بر اساس نظریه فرم‌ها، از سطح انضمامی شدن تاریخی پدیدارها فاصله می‌گیرد، و پدیدارهای مورد مطالعه را به سطحی انتزاعی‌تر منتقل می‌کند. از این رو همان‌طور که لیبر می‌گوید، نقد زیمیل باید به مثابه نقد فرهنگ به جای زمینه‌ی اقتصادی-اجتماعی و سیاسی آن فهمیده شود. بدین معنی که هرگاه بعد تاریخی از تحلیل پدیدارها غایب است، تأثیرات پول و اقتصاد پولی تقدیر کل فرهنگ می‌شود. فریزبی نتیجه‌گیری می‌کند که تحلیل زیمیل از پول «باید آن‌چه فراسوی انضمامی شدن



اقتصادی اش به مثابه نماد یا شاخصی برای فرایند بسیار بنیادی تر بسط می یابد، تلقی شود؛ فرایند عینیت یافتگی امر سوپژکتیو و کمی شدن امر کیفی». (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۲۹) زیمل خود، فلسفه پول را تلاشی می داند «برای آن که از سطح رویی امور اقتصادی رهنمونی اتخاذ کند که به ارزش های غایی و امور بااهمیت در هر آن چه انسانی است، بیانجامد». (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۲۹)

## ۶. عینیت یافتگی / شیء شدگی

مبادله به صورت تهاتر پیش از ظهور پول در جامعه ی انسانی رواج داشته است. میانجی بودن پول در دادوستدها به فرایند دادن و گرفتن، محدود نمی شود، بلکه پول خود را به مثابه پدیداری جدید، معادل کلی همه ارزش ها برمی کشد. بدین ترتیب مبادله و پول از قلمرو خواست ها و آرزوهای شخصی و بی واسطه ی سوژه فراتر می رود و در جهان خارج از ذهن و روان سوژه، عینیت می یابد.

زیمل معتقد است چیزهایی که زمانی آشنا بودند بدل به انبوهی از کالا شده اند، که هیچ داستانی درباره آنها وجود ندارد که گفته شود، زیرا آنها هیچ تاریخی ندارند. پول چیزها را قابل جابجایی کرده است. «هم ابژه های مادی و هم ابژه های فکری امروزه مستقلاً بدون هیچ نماینده یا حمل و نقل شخصی، حرکت می کنند. ابژه ها و افراد از یکدیگر جدا شده اند...» (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۱-۶۲)

زیمل تأکید می کند قلمرو مبادله ی ارزشی قلمرویی است که «کم و بیش کاملاً جدا از شالوده ی سوپژکتیو- شخصی» است، قلمرویی که شکل «سازوکاری خودکار» و «قلمرویی عینی» را دارد. درون این قلمرو خودمدار، پول شیء کننده ی تمام روابط، «کارکرد شیء شده ی مبادله شدن» است. پول «در قلمرویی سازمان یافته بر طبق قواعد خاص خود» به مثابه «واسطه ای مطلق» واقع می شود. «پول ... چیزی نیست مگر فرم محض مبادله پذیری». (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۱-۶۳)

هانس بورینگر درباره عینیت یابی مبادله در جهان مدرن معتقد است که پول سبک زندگی را عینیت می بخشد، و مردم کلان شهرها را مجبور به بی تفاوتی، عقلانیت، فقدان سرشت و ویژگی خاص فردی می کند. پول آدمیان را به صورت غریبه ها، جامعه پذیر می کند. پول هم چنین آدمیان را به اعیان و اشیای محض تبدیل می کند. زیمل در فلسفه پول، نظریه ای را درباره بیگانگی طرح ریزی می کند که مبتنی بر فرایند عینیت یابی است، و تا

حد زیادی معطوف به نشان دادن بیگانگی فرهنگ و چاره ناپذیری آن فرایند است. زیمل غالباً مفهوم شیء شدگی را به کار می‌گیرد، مفهومی که نه تنها مارکس بلکه نیچه هم به کار گرفته است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۱۴)

## ۷. سوژه-ابژه

بنابر عینیت یابی پدیدارهای شخصی و بی واسطه در فرایند مبادله در اقتصاد پولی، زیمل جهان مدرن را این گونه روایت می‌کند که چیزهایی که زمانی برای سوژه‌ها آشنا بودند بدل به انبوهی از کالا شده‌اند، که هیچ داستانی درباره آنها وجود ندارد، زیرا آنها هیچ تاریخی ندارند. هم چنین، پول همه چیز را قابل جابجایی کرده است؛ «هم ابژه‌های مادی و هم ابژه‌های فکری امروزه به طور مستقل حرکت می‌کنند و ابژه‌ها و افراد از یکدیگر جدا شده‌اند». (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۱-۶۲)

زیمل با توجه به دور شدن انسان از حاصل کار خود و استقلال یافتن ابژه‌های مادی و فکری، تصویری از بیگانگی انسان از محصولش و از فرهنگی که خود او تولید کرده است، ترسیم می‌کند. بیگانگی ای که ملازم از هم دور شدن فرهنگ سوپزکتیو و ابژکتیو است، و به تقسیم کار «برحسب اهمیتش نه تنها در مصرف، بلکه در تولید نسبت داده می‌شود.» تکه تکه شدن فرایند تولید و نیز آدمیان، به یکسان شدن تدریجی آنها و از میان رفتن فردیت شان می‌انجامد. از این لحاظ، سوژه‌های انسانی از هستی نوعی شان بیگانه می‌شوند. زیمل شرح قابل توجهی از فرایندهای تکه تکه شدن، ذره ذره شدن، عینیت یابی، شیء شدگی و یکسان سازی که تقسیم کار آنها را پدید آورده است، به ما ارائه می‌دهد. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۲۲)

در فلسفه پول، این تراژدی از عینیت یابی سوژه‌ی انسانی ناشی می‌شود، اما نه آن گونه که در آرای هگل است، به مثابه بیرونی شدن ضروری سوژه‌ی انسانی در فرایند خودآگاهی. بلکه زیمل به جای آن، دوگانگی سوژه-ابژه را به ما عرضه می‌کند؛ دوگانگی زندگی و فرم، دوگانگی فرهنگ سوپزکتیو و ابژکتیو. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۲۹) فریزی در نتیجه گیری خود معتقد است که زیمل در فلسفه‌ی پولش، سلطه‌ی فرهنگ عینی بر فرهنگ سوپزکتیو و تضاد میان این دو قلمرو فرهنگی را نشان می‌دهد. (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۶)

## ۸. مدرنیته

در اقتصاد پولی جهان معاصر، عینیت یابی مبادله پولی و شیء شدگی پول به مثابه میانجی میان چیزها حاکی از سلطه فرهنگ عینی بر فرهنگ سوپژکتیو است. سلطه فرهنگ ابژکتیو رفته رفته به رسوخ در فرهنگ سوپژکتیو شخصی می انجامد و کلیت زندگی آن را رقم می زند. برپایه ی نگاه زیمل، پول به مثابه جزئی از کلیت معنای زندگی، نمودی از مدرنیته است. فریزبی معتقد است این قلمرو مبادله ی پولی، قلمروی پویاست که در آن پول «شیء شدگی رابطه ی محض میان چیزهاست، آن گونه که در جابجایی اقتصادی شان بیان می شوند». (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۳)

به زبان اقتصاد پولی، حرکات درخودبسته ی قلمرو گردش پول و مبادله، که بعد مهمی از فرهنگ عینی اند، نه تنها در حال گسترش درون آن فرهنگ اند، بلکه در حال رسوخ در خود فرهنگ سوپژکتیو نیز می باشند. سبک مدرن زندگی این «سیالیت نامتناهی» را نمایش می دهد. (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۴) فریزبی معتقد است زیمل در فلسفه پول بیشتر از هر اثر دیگرش به تسخیر کلیت زندگی مدرن نزدیک می شود (زیمل، ۱۳۹۷، ۹۹) و کلیت روح عصر را از تحلیل اش درباره پول اخذ می کند. کارل یوئل، فلسفه پول او را «فلسفه عصر» می نامد. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۰۰)

در عصر مدرن، خواست ها و آرزوهای شخصی تحت سیطره ی فرهنگ مبادله ی شیء شده، به خدمت اقتصاد پولی درمی آیند، نه این که اقتصاد در خدمت انسان ها باشد. از این رو در دوره مدرن، عینیت یافتگی و سلطه فرهنگ ابژه، استقلال افراد را تهدید می کند. زیمل در این باره می گوید: «بنابر این می توان به درستی طرح اصلی دوره مدرن را این بیان کرد که آدمیان را هر چه بیشتر وابسته به کلیت ها و کل ها، و هر چه بیشتر مستقل از جزئی ها می کند». (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۱۲) به گفته ی اسودبرگ، زیمل گرچه وجه مثبت تاریخ را می بیند، برای نمونه رشد آزادی و فردیت، اما یک تهدید را نیز در رشد فرهنگ و نهادها تشخیص می دهد؛ مفهوم «تراژدی فرهنگ» و «روح عینی». (اسودبرگ، ۱۹۹۶، ۲۱۶)

## ۹. زیبایی شناسی

زیمل درباره زیبایی شناسی معتقد است که «داوری زیبایی شناختی، به تصویر محض چیزها، به نمود و فرم شان، صرف نظر از این که آیا واقعیتی قابل ادراک آنها را تأیید می

کند یا نه» مربوط می‌شود. از آن جا که از نظر زیمل، اثر هنری «به مثابه جهانی برای خویش در مقابل هر آن چه بیرون از آن وجود دارد» تعریف می‌شود، قرابتی با فرهنگ عینی، در حقیقت با «فرهنگ چیزها به مثابه فرهنگ موجودات انسانی» دارد که او در فلسفه ی پول آن را تحلیل می‌کند. به طور کلی تر، ابعاد زیبایی شناختی که زیمل در جاهای دیگر آن‌ها را برجسته می‌سازد، از قبیل رابطه ی میان امر قطعه قطعه و امر کلی، فاصله ی میان سوژه و ابژه، تقارن و عدم تقارن فرم‌ها، همه در بررسی او از اقتصاد پولی مطرح می‌شوند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۷)

با توجه به تقابل و بلکه سلطه فرهنگ ابژکتیو بر فرهنگ سوژکتیو که از دوگانه سوژه-ابژه بر می‌خیزد، یافتن راهی برای سازگاری میان این دو دغدغه ی زیمل بوده است. زیمل با توجه به خودمداری و شخصی بودن قلمرو هنر و زیبایی شناسی، آن را قلمرویی مناسب برای آشتی فرهنگ سوژکتیو و ابژکتیو می‌داند. همین گونه، او پول را که معادلی کلی برای ارزش‌های متفاوت و شخصی است، عرصه ی مناسبی برای سازگار کردن خواست‌های متفاوت و بلکه متعارض تلقی می‌کند. به گفته ی فریزی، از نظر زیمل، یک قلمرو بالقوه برای آشتی فرهنگ سوژکتیو و ابژکتیو، قلمرو زیبایی شناختی بود، که با عنایت به خودمداری آن، دارای قرابت‌هایی با قلمرو شیء شده ی مبادله و گردش است که به وسیله ی پول تسهیل می‌شود. (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۲)

گلدشاید معتقد است در پس پشت کل آثار زیمل ایده آل زیبایی شناختی و نه اخلاقی قرار دارد. و این ایده آل زیبایی شناختی است که کل تفسیر او را از زندگی و بنای این کل فعالیت علمی زندگی او را تعیین می‌کند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۰۵) فریزی تأکید می‌کند این زیبایی نگری در فلسفه پول جایگاه مرکزی دارد، هم بر حسب رویکرد زیمل به موضوع پول و هم نظر به دل‌مشغولی او به تراژدی فرهنگ. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۲۵)

## ۱۰. هدف - وسیله

پول به مثابه معادل کلی ارزش و میانجی در مبادله‌های دوره مدرن، نقش وسیله ای کارآمد را ایفا می‌کند. اما عینیت یابی مبادله و شیء شدگی پول، موجب می‌شود که نقش وسیله‌گی پول از نظر پنهان شود و پول چونان یک هدف در همه ی شئون زندگی ظاهر گردد. هوفمانستال به نقل از زیمل، از پول به مثابه غایت همگانی، در جایی که در واقع وسیله ی همگانی است، یاد می‌کند. چه آن که اهداف واقعی عمل‌ما، در بسیاری از اوقات از ما

مخفی است. این که وسایل به اهداف تبدیل می شوند، به واسطه ی این امر توجیه می شود که در نهایت، اهداف نیز فقط وسایل اند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۷۴)

تحقیق مفصل زیمل درباره ی عقلانیت مبتنی بر هدف- وسیله در زمینه ی کنش هدفمند، به منظور نشان دادن این است که پول آشکارترین نمونه ی وسیله ای است که به هدف تبدیل شده است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۰۹) زیمل معتقد است تفوق و برتری وسایل بر اهداف و غایات، مظهر کمالش را در این امر می یابد که امر پیرامونی در زندگی، یعنی چیزهایی که بیرون از ذات اصلی زندگی قرار می گیرند، ارباب مرکز آن و حتی ارباب خودمان شده اند. اگر کلیت زندگی را در نظر بگیریم، آن گاه کنترل طبیعت به وسیله تکنولوژی فقط به بهای اسیر شدن در آن و با کنار گذاشتن و از دور خارج کردن امر روحانی و معنوی، به مثابه مرکز اصلی زندگی امکان پذیر است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۴۲)

## ۱۱. فرم دین

دانیل سیلور و کریستی اونی در مقاله ی خود به نام «اهمیت استعاره های دینی در فلسفه پول» بر آن اند که کتاب فلسفه پول غرق در زبان دینی است (زیمل، ۱۳۹۷، ۳۹-۴۰). آنان اندیشه ی دینی زیمل را به بررسی او درباره ی پول، پیوند می دهند. آنان معتقدند که سه کیفیت دینی ایمان، وحدت و فردیت، در رفتار و کردار پولی نیز در کار است، (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۰) به عبارت دیگر، زیمل در تبیین فلسفه پول، از فرم دینی هم برای مطالعه ی پول استفاده می کند.

مسمی پرست یادآور می شود موضوعی که احتمالاً بیش از همه درباره اش بحث شده است، این گفته ی زیمل است که مبادله وابسته به فرم «شبه دینی» اعتماد است. اعتماد که رکن اصلی شکل گیری اقتصاد پولی مدرن است و بدون آن هیچ اقتصاد پولی نمی تواند به حیات خود ادامه دهد، از نگاه فرم دینی نوعی ایمان به شمار می رود. شاید تکان دهنده ترین مثال مقایسه آشکار زیمل میان پول و خداست، هنگامی که می گوید هر دو ریشه در روانشناسی مشابهی دارند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۲)

جوهر عمیق تر تصور خدا در این امر قرار دارد که تمام عناصر متنوع و تناقضات جهان در او به وحدت دست می یابند. از نگاه فرم دینی، پول هر چه بیشتر نمود و معادل همه ی ارزش ها، بالاتر از همه ی ابژه ها و مرکزی می شود که در آن بیگانه ترین و دورترین اندیشه ها با یکدیگر ملاقات می کنند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۷۴)

مسمی پرست نشان می‌دهد این ادعا که پول به شخص امکان می‌دهد تا شخصیتش را «بدون باقیمانده‌ای» بیان کند، هم چنین شباهت ظریفی با این تصور دارد که در برابر خدا قرار گرفتن، به معنی جانگذاشتن هیچ جزئی از خویش است. زیمل در توصیف خویش از «تشخص خدا» هم چون «فرمی از آگو بدون هیچ باقیمانده‌ای»، به این گرایش نهفته اشاره می‌کند. پول از نظر زیمل به گونه‌ای به انسانیت امکان می‌دهد که تقریبی از الوهیت ایجاد کند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۲)

زیمل در تبیین پیوندهای دینداری با پول به این می‌پردازد که پول چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های تجربه‌ی دینی استفاده کند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۳) زیمل به طور خاص رابطه میان «فرزند مخلص و مطیع با والدینش»، «میهن پرست پرشور با کشورش»، «شخص جهان وطن پرشور با انسانیت» و «سرباز حقیقی با ارتشش» را مورد تأکید قرار می‌دهد. همه این‌ها دارای «فرمی روان‌شناختی» اند که فقط می‌توان آنها را دینی توصیف کرد. چنین کیفیاتی مرزهای خود آدمی را می‌گشاید، و متضمن تجربه بسط یافتن به فراسوی خویشستن است، به نحوی که در این تجربه، شخص با دیگری ای مواجه می‌شود که می‌تواند خودخواهی شخص را به صمیمی‌ترین شیوه دگرگون کند. اگر پول نیز دارای این «فرم روان‌شناختی» باشد، پس درمی‌یابیم ظرفیت‌هایی که روابط پولی پرورش می‌دهند مشابه‌ی آنهایی خواهد بود که ادیان برمی‌گزینند و تا نهایت درجه آنها را می‌پروراندند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۳-۴۴)

پس از معرفی محتوای کتاب فلسفه پول، به بررسی نسبت آن با تخصص‌گرایی آکادمیک در جهان معاصر به ویژه آموزش عالی کشور و جامعه نخبگانی می‌پردازم.

## ۱۲. نسبت فلسفه پول با آکادمی ما

بررسی نسبت کتاب فلسفه پول با آکادمی ما، قطعاً مستقل از نسبت این کتاب با سپهر علمی معاصر نیست. از این رو بررسی نسبت ما و این کتاب، در واقع به مطالعه‌ی مربوط می‌شود درباره‌ی چرایی این که پس از نزدیک یک سده غفلت یا چشم‌پوشی آگاهانه از این کتاب، آکادمی‌ها و انجمن‌های علمی جهان به این کتاب روی آورده‌اند. پاسخ این پرسش، در رویکرد فرارشته‌ای<sup>۱</sup> این کتاب در برابر تخصص‌گرایی آکادمیک، در پرداختن به مسئله‌ی بس مهمی چون پول نهفته است.

پس از نقد اندیشمندان و مکاتب مختلف پست مدرن، تفهمی، هرمنوتیک و انتقادی به رویکرد اثباتگرایی، و روشن شدن آسیب ها و کاستی های رویکرد رشته ای و تخصصی گرایانه به علم، آکادمی ها رفته رفته به رهیافت فرارشته ای روی آوردند. گودشتاین یادآور می شود که توجه انتقادی به تبارشناسی وضعیت شاخه های علمی معاصر به ویژه به تاریخمندی فعالیت های تئوریک معاصر، به افزایش پیچیدگی روش شناختی گفتمان میان رشته ای و از این رو به مشارکت در بازاندیشی درباره تنگناهای علمی و نظری معاصر کمک می کند. شیوه ی متمایز فرا یا میان رشته ای نظریه پردازی زیمل که در فلسفه پول متبلور شده است، در پرتو پیشرفت های آغاز شده از سال ۱۹۸۹ دوباره مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، بازگشت به این اثر فرصتی برای بازبینی در مفروضات و فعالیت های اصلی تحقیقات فرهنگی معاصر فراهم می کند. (گودشتاین، ۲۰۱۷، ۲۵۰)

زیمل معتقد است که جهان توسط انواع کثیری از فرم ها قوام می یابد. یک محتوای واحد ممکن است پذیرای فرم های متفاوتی باشد، و فرمی واحد ممکن است در محتوا یا درون مایه های بسیار متفاوتی تحقق یابد. به نظر او از آنجا که انسان توسط انواعی از چشم اندازها قوام می یابد، در نتیجه کثرات متجانس واحدی به وسیله ی انواعی از فرم ها قوام می یابد. بنابر این هر پدیده ی مفروضی ممکن است نه تنها متعلق شناخت نظری، بلکه ارزیابی زیبایی شناسانه و معنای مذهبی باشد. از نظر زیمل، هر جنبه ای از واقعیت همین خصیصه را نمایش می دهد که می تواند به انواعی از فرم ها درک و دریافت شود. (زیمل، ۱۳۸۶، ۲۶-۲۷)

زیمل تأکید می کند که جهان های متفاوتی که بوسیله ی این فرمهای جهانی قوام می یابد «همه بر یک سطح هستی شناختی واحد قرار می گیرند.» و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند (زیمل، ۱۳۸۶، ۲۸).

مهم ترین دلیل بازخوانی اندیشه های زیمل از اواخر قرن بیستم در آکادمی ها و انجمن های علمی جهان، رویکرد فرارشته ای زیمل به پدیده ها و اشیا برخلاف تخصص گرایی آکادمیک رایج است. آکادمی ما نیز چونان بخشی از این جهان که از جریان های علمی آن تأثیر می پذیریم در چنین نسبتی با فلسفه پول است. برای توضیح بیشتر این نسبت، به بررسی سه مسئله عمده درباره آموزش و پژوهش در کشور می پردازم. مسئله مندی، فرارشتگی، و نسبت علم و دین.

## ۱.۱۲ مسئله مندی

منظور از مسئله مندی در این جا این است که موضوع مطالعه دارای ربط اجتماعی باشد (العطاس، ۱۹۹۵، ۱۲۵). مسئله مندی یعنی ربط داشتن موضوع تحقیق با جامعه اعم از ربط داشتن با چالش‌ها و مشکلات انضمامی جامعه و یا ربط داشتن با گفتمان‌ها و مناقشات نظری در جامعه نخبگانی. بنابراین در مطالعه‌ی مسئله مند، مشکلات، چالش‌ها، پدیده‌های سطحی در جامعه می‌تواند سرآغاز تحقیق علمی در آکادمی‌ها باشد.

با توجه به تعریفی که از مسئله مندی یاد شد، تحقیقات زیمل دقیقاً از ربط اجتماعی برخوردار است چه آن که از پدیدارهای سطحی و پدیدارهای انضمامی آغاز می‌کند، نه از مفاهیم و نظریه‌های فلسفی. او با تحلیل عمیق اشیا و پدیدارها، از سطح انضمامی به ژرفای فلسفی امور غور می‌کند. بدین ترتیب زیمل نشان می‌دهد که نظری‌ترین رشته‌های علمی و شاخه‌های دانشی نیز می‌تواند معطوف به مسائل عینی و انضمامی جامعه باشند. آدورنو با وجود اختلاف نظرهایی که با زیمل داشت اذعان می‌کند که زیمل «نخستین کسی بود که در بازگشت فلسفه به موضوعات انضمامی توفیق یافت (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۸) او با نظریه پردازی اشیا، توجه خود را به آنچه دنیایی، زودگذر و بی‌اهمیت به نظر می‌رسید، معطوف کرد. (پیتین، ۲۰۱۰، ۱۱۳-۱۱۲)

از منظر زیمل، فلسفه را نباید مجموعه‌ای از آموزه‌ها و براهین دانست. فلسفه فرمی یا شکلی از زندگی یا شیوه‌ای از تجربه کردن جهان است. نتایج فلسفه ورزی کردن اصلاً احکام نیست، بلکه اظهاراتی حاکی از نگرش نوع خاصی از انسان است. (زیمل، ۱۳۸۶، ۳۴) فریزبی تأکید می‌کند که زیمل فلسفه پول را تلاشی می‌داند «برای آن که از سطح رویی امور اقتصادی رهنمونی اتخاذ کند که به ارزش‌های غایی و امور بااهمیت در هر آن چه انسانی است، بیانجامد». (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۲۹) از نظر لوکاسچ زیمل دارای «ظرفیتی است برای آن که کوچک‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین پدیدارهای زندگی روزمره را با قوتی آن‌چنان تام، ذیل نوع فلسفه ببیند، به نحوی که وضوح یابد و در پس وضوحش معنای فلسفی را آشکار کند». (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۲۶)

بنابراین، در نسبت میان فلسفه پول و آکادمی ما، باید نگاه مسئله مند به اشیا و پدیده‌ها را در جامعه جدی گرفت. نگاه مسئله مند، سوگمندان در بسیاری از آموزش‌ها و پژوهش‌های کشور مورد غفلت است. این غفلت نه تنها در رشته‌هایی که ماهیتی نظری دارند، حتی در شاخه‌هایی که بعد کاربردی و عملی دارند، نیز فراوان به چشم می‌خورد. این



گونه است که حتی رشته هایی مانند اقتصاد و جامعه شناسی و سایر علوم اجتماعی به علوم نظری محض تبدیل شده اند. زیمل در چرخش فلسفی خود به اشیا و پدیده ها، نشان می دهد که حتی فیلسوف از این ظرفیت برخوردار است که به چالش ها و مشکلات انضمامی نگاهی ژرف و فلسفی داشته باشد. نکته ای که در کشور بشدت مورد غفلت است.

## ۲.۱۲ مطالعات فرارشته ای

همان گونه که یاد شد، یکی از چالش های آکادمی های ما و بلکه جهان سلطه دیسپلین ها و رشته های تخصصی است. غلبه ی تخصص علمی موجب شده است که مشکلات، پدیدارها و مسائل کشور به نحو جامع و کامل مطالعه نشوند. فقدان ارتباط میان رشته های تخصصی متفاوت، چه در سطح نظر و چه در سطح عمل، هزینه های سنگین و گزارفی را برای جامعه ها ببار آورده است. زیمل در واقع، یک فیلسوف فرارشته ای است نه میان رشته ای. چه آن که او اصولاً مرزبندی رشته ها و تخصص گرایی آکادمیک را به رسمیت نمی شناسد تا این که تحقیق خود را در میان آنها به پیش ببرد؛ او فراتر از رشته ها حرکت می کند.

فریژی یادآور می شود که تلاش زیمل برای طرح ریزی فلسفه پول به گونه ای که متمایز از اقتصاد یا روان شناسی پول باشد، هدف دائمی او در سرتاسر این اثر است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۹۸) با این نگاه فرارشته ای است که زیمل تأکید می کند «مسئله هیچ سویی ای از زندگی انسانی نیست که بتوان گفت فقط اقتصادی است». (زیمل، ۱۳۹۷، ۵۷)

گودشتاین تصدیق می کند که زیمل به آسانی در قلمرو شاخه های علمی متنوع جای نمی گیرد. مرزبندی ها میان اقتصادسیاسی و جامعه شناسی، روان شناسی و تاریخ، تاریخ حقوق و علوم سیاسی، و همه ی دیگر قلمروهایی که او سر زد، برای مضامین فلسفه پول بسیار سخت و متصلب بودند. (گودشتاین، ۲۰۱۷، ۲۱۵) و همین تنوع مقاصد در کار زیمل است که برای معاصرانش دست یافتن به منظر کلی فلسفه پول را دشوار کرده است. (زیمل، ۱۳۹۷، ۹۵)

تحقیقات زیمل به ویژه فلسفه پول او فراتر از رشته ها است. او با تعریف فرم های جهانی اصولاً از سطح دیسپلین و رشته های علمی درمی گذرد و مسئله را در سطح معرفت شناسی های رقیب مطرح می کند. او گرچه شناخت یا علم را به عنوان یک فرم بازشناسی و معرفی می کند؛ لیکن در کنار آن از فرم های دیگری هم چون هنر و دین نیز

سخن می‌گوید. زیمیل برای شناخت علمی ارزش و اعتباری افزون‌تر از دیگر فرم‌ها قائل نیست، بلکه هر سه فرم جهانی را از نظر هستی‌شناختی یکسان می‌نگرد. از این رو زیمیل معرفت‌شناسی تجربی را که قائل به تخصص‌گرایی آکادمیک و انحصار علمی است، رد می‌کند. او گرچه معرفت‌شناسی تاریخی را باور دارد، اما هرمنوتیک دیلتای را نیز نقد می‌کند. گرچه به فرم‌های تاریخی معتقد است، اما فرم‌های هنری و دینی را نیز به همان اندازه برای شناخت پدیدارها معتبر می‌داند. بنابراین، زیمیل به منظور مطالعه جامع و کامل اشیا و پدیده‌ها، آنها را برپایه همه‌ی فرم‌های جهانی بررسی می‌کند، و در این مطالعه، هیچ فرمی را از نظر هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی برتر از دیگری نمی‌داند. (گودشتاین، ۲۰۱۷، ۲۱۵)

گودشتاین می‌گوید در دوره حرفه‌ای سازی شتابناک در آموزش عالی، حتی در حالی که همکاران زیمیل تلاش می‌کردند که جامعه‌شناسی را چونان یک شاخه علمی متمایز و رسمی تأسیس کنند، او توجه‌ها را به پیش‌فرض‌های سؤال‌انگیز معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و هم‌چنین نتایج فلسفی آنها معطوف می‌کرد. تأملات او درباره پول، برای نمونه، که نوع عینیت شناخته شده برای شکل دادن علوم طبیعی، نمی‌تواند در قلمرو علوم اجتماعی حاصل شود، این موضوع را مطرح ساخت که آیا مقوله‌ی «قانون» علمی اصولاً می‌تواند به نحو مشروع در تحقیقات مربوط به موضوعات متنوع تاریخی و فرهنگی به کار رود. گودشتاین به درستی تشخیص داد که این اثر حتی با تنگ‌نظری فلسفه علم یا نظریه علم ناسازگاری یا خصومت دارد. (گودشتاین، ۲۰۱۷، ۲۱۵)

بنابراین، نسبت دیگر فلسفه پول با تخصص‌گرایی آکادمی‌های ما، حکایت از ضرورت مطالعات فرارشته‌ای در آموزش و پژوهش کشور دارد. آموزش عالی و نظام پژوهشی کشور به طور عمده با نگاه رشته‌ای و تخصصی مدیریت می‌شود و فضای مناسب برای مطالعات فرارشته‌ای در آکادمی‌های کشور کمتر فراهم است. مطالعه‌ی همه‌جانبه‌ی چالش‌ها و مسائل جامعه، اقتضات پژوهشی و آموزشی در کشور و هم‌چنین رویکردهای نوین علمی در جهان اقتضا می‌کند که فضاهای آکادمیک کشور به روی مطالعات و پژوهش‌های فرارشته‌ای بازتر شود.

### ۳.۱۲ ملاحظه نسبت علم و دین

جامعه‌نخبگانی ما و هم‌چنین سیاستگذاران کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی با پرسش جدی و بلکه چالش عمده‌ی نسبت دین و علم مواجه شدند. البته مسئله علم و دین از دیرباز، پس از رنسانس و ظهور علوم مدرن و سکولاریسم مطرح است و آرا و اندیشه‌های متنوع و متفاوتی درباره آن اظهار شده است. اما چالشی که از سوی انقلاب اسلامی در برابر علوم انسانی و اجتماعی مطرح شد با سابقه تاریخی مسئله علم و دین متفاوت است. انقلاب اسلامی با این ادعا که دین در شناخت و سیاستگذاری در امور انسانی و اجتماعی ایفای نقش می‌کند، علوم انسانی و اجتماعی متعارف را با چالشی جدی روبرو ساخت. علوم انسانی و اجتماعی باید نسبت خود را با این رقیب تعریف می‌کرد. چالش نحوه ربط و نسبت علم و دین در علوم اجتماعی و انسانی در سطح آکادمی‌ها به عنوان یک مسئله مطرح است. فارغ از این که دیدگاه‌های موافق و مخالف درباره‌ی این ربط و نسبت چیست، نمی‌توان چشم‌ها را بر این مسئله بست. آکادمی‌ها ناگزیرند ایستار خود را در برابر این مسئله تبیین کنند. زیمل برپایه‌ی نظریه فرم‌ها، رهیافت یا روشی را برای مطالعه‌ی پدیده‌ها از نگاه دینی معرفی کرده است. شناخت اندیشه‌های زیمل به ویژه آشنایی با فلسفه پول او چه بسا به پژوهش‌های ما در بررسی نسبت دین و علم در فضای سلطه تخصص‌گرایی آکادمیک، کمک کند.

زیمل در کتاب فلسفه پول، روش و نحوه‌ی از مطالعه را نشان می‌دهد که چگونه می‌توان بر اساس فرم‌های معرفتی و دینی یک پدیدار را بررسی و تحلیل کرد. از این رو یک امر اجتماعی یا رفتار و کنش انسانی می‌تواند برپایه فرم‌های شناختی و دینی و حتی هنری مطالعه شود. چه بسا این روش مطالعه بتواند پرتوی بر مسئله‌ی نسبت علوم انسانی و اجتماعی با دین در جامعه ما بیافکند. این مبحث قطعاً نیازمند دقت نظر و مطالعات فراوان است.

هم‌چنان که یاد شد، سیلور و اونی در مقاله «اهمیت استعاره‌های دینی در فلسفه پول» معتقدند که فلسفه پول زیمل آمیخته به زبان دینی است. آنان سه کیفیت دینی؛ «ایمان، وحدت و فردیت» را در بررسی رفتار و کردار پولی بازشناسی می‌کنند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۰) فریزبی به تشابه تصور «خدا» و پول در اندیشه زیمل اشاره می‌کند که در آن‌ها به نحوی امور متنوع و متعارض جهان به وحدت می‌رسند. هم‌چنین به فرم شبه دینی «اعتماد» که در مبادله و پول به چشم می‌خورد. مسمی پرست مفهوم «الوهیت» در فلسفه پول را خاطر

نشان می‌کند که پول این امکان را برای انسان فراهم می‌کند که شخصیت اش را بدون باقیمانده ای بیان کند.<sup>۲</sup>

هم چنان که یاد شد، در جامعه ما درباره نسبت علم و دین، پرسش‌هایی از نوعی دیگر مطرح است. در این ارتباط در جامعه به طور کلی با دو گونه پرسش روبرو هستیم. نخست این که شناخت پدیدارهای انسانی و اجتماعی چه نسبتی با دین دارد. و دوم این که آموزه‌های دینی، چه کمکی می‌توانند به شناخت و تغییر پدیدارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بکنند.

با توجه به این که زیمل از پدیدارهای انضمامی در جامعه آغاز می‌کند، به نظر می‌رسد که بتوان از اندیشه زیمل برای پاسخ‌گویی به پرسش نخست کمک گرفت. بدین معنی که از فرم دینی در کنار فرم‌های تاریخی و شناختی برای مطالعه هرچه کامل‌تر و جامع‌تر پدیدارهای انسانی و اجتماعی جامعه‌ی خود بهره گرفت. بدین ترتیب با مطالعه پدیدارها برپایه‌ی فرم دینی می‌توان به معرفتی جامع‌تر درباره‌ی پدیدارها و نسبت آنها با دین دست یافت.

اما در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد که فلسفه زیمل، درباره پرسش دوم خاموش است و اظهار نظری نمی‌کند و شاید حتی پاسخی منفی بدهد. این نظر از دو حیث تقویت می‌شود؛ نخست این که نگاه زیمل به دین با رهیافت تجربه‌ی دینی است، و دوم این که زیمل رویکرد برساختی به علم ندارد. در مورد اول، فریزبی در تبیین نگاه فردگرایانه و تجربی به دین، از زیمل نقل قول می‌کند که دینداری متضمن آمیزه‌ای عجیب از تسلیم غیرخودخواهانه و کشش پرشور، از فروتنی و تعالی، از عینیت حسی و تجرد روحانی است که موجب حدی از تنش عاطفی، شور و شوقی خاص، و قرارگرفتن شخص در نظامی عالی‌تر می‌شود، نظامی که احساس می‌شود «چیزی درونی و شخصی» است. (زیمل، ۱۹۹۷، ۱۰۴). در مورد دوم، می‌توان به رویکرد تاریخی او در مطالعه‌ی اشیا و پدیدارهای جزئی استناد کرد. کارل مانهایم به این نکته اشاره‌ای دارد که استعداد او قابلیت برای نظری‌سازنده داشتن در باب کل جامعه نبود، بلکه تحلیل کردن اهمیت نیروهای اجتماعی خردی بود که پیش از این مشاهده نشده بود. (زیمل، ۱۳۹۷، ۱۲۷).

مسمی پرست در این زمینه چنین جمع‌بندی می‌کند که تلاش زیمل کوششی است برای آن که خود جامعه را پدیداری شبه دینی تلقی کنیم، که به سبب همان انواعی از تجربه‌ها بنا می‌شود که ادیان رسمی بیان می‌کنند، و نیز ممکن است بار دیگر بر روابط اجتماعی

اثر کنند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۴) حالت دینی ای که زیمل در پول می‌دید به این آمادگی و استعداد آزمودن فرم‌های دینداری جدید، و دیدن دین در جاهایی مربوط می‌شد که به طور سنتی کسی در آن جا به دنبالش نبود. (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۴) پیوندهای دینداری با پول به این می‌پردازد که چگونه پول می‌تواند از آن ظرفیت‌های تجربه‌ی دینی استفاده کند. (زیمل، ۱۳۹۷، ۴۳)

### ۱۳. نقد شکلی اثر

کتاب فلسفه پول شامل پیشگفتار ناشر، دیباچه چاپ سوم، مقدمه مترجم انگلیسی، دیباچه نویسنده، مقدمه‌ی مترجم فارسی، فهرست تفصیلی مطالب، پس‌گفتار درباره ساختار متن و نمایه نام‌ها است که چشم‌انداز مناسبی از محتوای کتاب به نمایش می‌گذارد. مقدمه مترجم فارسی خانم دکتر شهناز مسمی پرست در کنار مقدمه مترجم انگلیسی دیوید فریزی، معرفی ارزشمندی از مضامین کتاب ارائه می‌کنند. این اثر از نظر کیفیت فنی و ظاهری بسیار عالی است؛ استفاده از کاغذ کاهی، علی‌رغم حجم بیش از ۷۰۰ صفحه‌ای کتاب مایه‌ی سبکی آن است، رنگ کاغذ متمایل به کرمی بسیار چشم‌نواز است، طرح جلد و پوشش آن بسیار ساده و زیبا است، ویرایش، رعایت علامت‌های سجاوندی، نمونه خوانی، صفحه‌آرایی و چاپ کتاب بسیار عالی و ناباورانه دقیق است.

### ۱۴. نقد ترجمه کتاب

با توجه به دشوار خوانی کتاب، همت و تلاش مترجم محترم برای نقل امانت دارانه و دقیق مفاهیم فلسفه پول بسیار قابل تقدیر است. مترجم با وسواس بیش از حد و کوشش طافت فرسایی سعی کرده است که مفاهیم را تا حد امکان به همان صورتی که در نسخه ترجمه انگلیسی کتاب آمده است، به فارسی برگرداند، و برای اطمینان‌نگاهی نیز به متن اصلی آلمانی داشته است. این وسواس و دقت در برگردان متن اصلی، گرچه با اصالت نسخه فارسی ترجمه فلسفه پول بسیار کمک کرده، اما دشوارخوان بودن متن اصلی را نیز حفظ نموده است. با توجه به دشوارخوانی و دشواریابی فلسفه پول، به نظر می‌رسد که توصیه مترجم لهستانی به جا و دقیق بوده است که کتاب فلسفه پول با توجه به ویژگی‌های که درباره آن گفته شد، بیش از ترجمه نیازمند تفسیر است (زیمل، ۱۳۹۷، ۶۸۳-۶۸۴)

ضمن ارج گذاشتن به تلاش‌های مترجم که این اثر گرانسنگ را برای فارسی‌زبانان دسترس پذیر ساخته‌اند، نکاتی را در چند بخش برای بهبود ترجمه پیشنهاد می‌کنم.

پایبندی بیش از حد به متن

در برخی جاهای متن، وسواس دقت و امانت در ترجمه موجب شده است که ترجمه حالت واژه به واژه پیدا کند. مترجم حتی از افزودن واژه‌ها برای وضوح بیشتر مفاهیم پرهیز کرده است؛ به نحوی که اسم موصول [که] داخل گروه گذاشته شده است. (۴۳) هم چنین در جمله‌های نسبتاً پرشماری مرجع «آن» روشن نیست، شایسته است که مترجم در بازشناسی این مرجع خواننده را یاری کند (۱۲۷/۱۲۸) و مرجع آن را تصریح نماید.

حفظ ساختار جمله‌ها

جمله‌های طولانی شامل جمله اصلی و جمله‌های متعدد پیرو به همان شکل و صورت در ترجمه حفظ شده است، چه بسا با شکستن جمله‌های طولانی به جمله‌های کوتاه‌تر، مضمون‌ها فهم پذیرتر می‌شد. (۱۵۳) هم چنین جمله‌های پیرو که در کتاب بسیار است، اگر داخل دو خط - تیره گذاشته شود، جمله خواناتر و گویاتر می‌شود (۱۵۴) بند آخر/۲۰۶)

تقطیع بندهای طولانی

با توجه به این که بندها و پاراگراف‌هایی در کتاب پیدا می‌شود که بیش از دو صفحه و نیم بلکه سه صفحه است، چه بسا تقطیع و کوتاه کردن آنها به فهم پذیر کردن مطلب کمک کند (از ۱۸۶ تا ۱۸۸ / از ۲۵۳ تا ۲۵۵ / از ۲۵۵ تا ۲۵۸)

استفاده از علائم سجاوندی

اگر از ویرگول برای فاصله‌گذاری میان افعال متوالی که در کتاب فراوان است - به دلیل تداخل جمله‌های اصلی و پیرو و طولانی بودن بندها - استفاده شود به روان‌تر و خواناتر شدن متن کمک می‌کند (۱۲۴ سطر آخر / ۱۲۵ سطر ۶) هم چنین شیوه‌ی خاصی از علامت‌گذاری، برای نمونه، گذاشتن ویرگول پس از اگر (۱۲۵ سطر ماقبل آخر) در کتاب به چشم می‌خورد.

## ۱۵. نتیجه گیری

فلسفه پول زیمل به مدت یک سده فراموش شده بود. در زمان حیات او نیز توجه درخوری به این اثر نشد. دلیل اصلی این بیتوجهی ناسازگاری او با تخصص گرایی آکادمیک بود که در روزگار او بر آکادمی ها چیره شده بود. رویکرد معرفت شناختی زیمل در فلسفه پول و دیگر آثارش بر نظریه فرم ها مبتنی است. بنابر این نظریه برای شناخت پدیدارها باید از ساختار رشته ای و تخصصی علم فراتر رفت و بر پایه فرم های زندگی فهم جامعی از آنها فراهم آورد. از این رو زیمل با روش شناسی های فلسفه علم نیز سر سازگاری نداشت.

نظریه فرم ها بر آن است که وجوهی از واقعیت را می توان به مثابه ی ابژه های ممکن تجربه و شناخت درک کرد که ذیل فرمی مقوم و سازنده قرارگیرند. یعنی فرم ها شرایطی را تعیین می کنند که تحت آن ها می توان جهان را به نحوی خاص تجربه کرد و نشان داد، شرایطی که تحت آن ها جهان می تواند متعلق نوعی خاصی از تجربه و شناخت قرارگیرد. این فرم ها هم چون علم، تاریخ، دین و هنر ارزش هستی شناختی و معرفت شناختی یکسانی دارند. بدین معنی که ارزش هستی شناختی فرم شناخت علم بیشتر از ارزش هستی شناختی هنر و دین نیست. از این رو هیچ یک از فرم ها بر دیگری سلطه ندارد و هیچ یک، فرد را از دیگری بی نیاز نمی کند. بنابراین، نیل به جامعیت در مطالعه، مستلزم تأمل درباره ی پدیده ها بر اساس همه ی فرم های مقوم است.

زیمل چونان یک فیلسوف، مطالعه خود را از پدیده های سطحی و اشیا آغاز می کرد. تا آن زمان فلسفه خود را به آن چه کلی، ابدی، ازلی و عمیقاً مهم بود مشغول داشته بود، اما زیمل با فلسفه اشیا، توجه خود را به آنچه دنیایی، زودگذر و بی اهمیت به نظر می رسید، معطوف کرد. زیمل در کتاب فلسفه پول به طور کامل به فلسفه اشیا خود متعهد است. فلسفه پول در پی کشف کردن راهی از سطح رویداد اقتصادی پول به سوی ارزش های غایی و پراهمیت هر امر انسانی است. عنصر اقتصادی پول، خود را همانا به مثابه نماد دائماً معتبر فرم های ذاتی حرکت، عیان می سازد. مفهوم هسته ای فلسفه پول این است که از هر نقطه ای از کلیت معنای زندگی انسان می توان به هر نقطه ی دیگری رسید و هر پدیداری بر دیگری تکیه می کند و حامی آن است. البته این کثرت سرآغازها و این درهم تنیدگی همه ی چیزها و شبکه ی پیوندها، کشف روشی نظام مند در رویه های او را دشوار می کند.

نزد زیمِل، پدیده پول از ظرفیت و توان بالقوه شگفت‌انگیزی در شناخت و نشان دادن ماهیت نه تنها اقتصاد بلکه زندگی مدرن برخوردار است. معنای پول چیزی بیشتر از پول است، به این دلیل که نمادی برای جهان است. زیمِل تصویری از مبادله به مثابه کل، چونان تصویری از مناسبات مشترک نامتناهی ارائه می‌کند که نهایتاً خود را به صورت اصل مسلط یک جهان بینی بسط می‌دهد. مبادله پولی استقلالی کسب می‌کند که در آن، مبادله صرفاً محض دو فرایند دادن و گرفتن نیست، بلکه پدیدار جدید سومی است که خاصیتی فرهنگی دارد.

پول چونان پدیدار فرهنگی جدید اقتضائاتی دارد؛ نخست این که خود را به مثابه معادل کلی همه ارزش‌ها برمی‌کشد. بدین ترتیب مبادله و پول از قلمرو خواست‌ها و آرزوهای شخصی و بی‌واسطه‌ی سوژه فراتر می‌رود و در جهان خارج از ذهن و روان سوژه، عینیت می‌یابد. دوم این که به دلیل عینیت‌یابی و شیء‌شدگی پدیدارهای شخصی، چیزهایی که زمانی برای سوژه‌ها آشنا بودند، به انبوهی از کالا تبدیل می‌شوند که هیچ تاریخی ندارند. سوم، عینیت‌یابی مبادله پولی و شیء‌شدگی پول به سلطه فرهنگ عینی بر فرهنگ سوژکتیو می‌انجامد که کلیت معنای زندگی مدرن را رقم می‌زند. چهارم، عینیت‌یابی مبادله و شیء‌شدگی پول، موجب می‌شود که نقش وسیلگی پول از نظر پنهان شود و پول چونان یک هدف در همه‌ی شئون زندگی ظاهر گردد.

کتاب فلسفه‌ی پول از آن جهت برای آکادمی‌های ما مهم است که پس از گذشت بیش از یک سده از تألیف آن، هم‌چنان می‌تواند با ما ربط و نسبتی برقرار می‌کند. این کتاب می‌تواند با مسائل آکادمی‌های ما و چالش‌ها و مسائل جامعه‌ی ما، به ویژه تخصص‌گرایی آکادمیک مربوط باشد. این ارتباط از آن جهت است که به اهمیت مسئله مندی، فرارستگی و نسبت مسائل انضمامی جامعه با دین، توجه می‌کند. آکادمی‌های ما هم اکنون از کاستی‌هایی در این زمینه‌ها رنج می‌برند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. به نظر می‌رسد در این جا اصطلاح فرارشته‌ای مناسب‌تر از میان رشته‌ای باشد. چه آن که در اصطلاح میان رشته‌ای، به طور ضمنی رشته هم‌چنان به رسمیت شناخته می‌شود. اما در رهیافت فرارشته‌ای اصولاً نگاه رشته‌ای به رسمیت شناخته نمی‌شود. هم‌چنان که زیمِل بنا بر



نقد «فلسفه پول» زیمل و تخصص‌گرایی آکادمیک ۸۵

نظریه فرم‌ها نگاهی فراتر از رشته‌ها و دیسپلین‌های علمی نسبت به شناخت دارد و آنها را بشدت رد می‌کند.

۲. برای آشنایی بیشتر با اندیشه‌ی زیمل درباره مطالعه‌ی پول از نگاه دینی، به بخش فرم دین در همین مقاله رجوع شود.

### کتاب‌نامه

زیمل، گئورگ، (۱۳۹۷) *فلسفه پول*، مترجم شهناز مسمی پرست، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

زیمل، گئورگ، (۱۳۸۶) *مقالاتی درباره‌ی تفسیر در علم اجتماعی*، مترجم شهناز مسمی پرست، تهران: شرکت سهامی انتشار

Alatas, Seyd Farid, (1995) The Theme of "Relevance" in Third World Human Sciences, Singapore Journal of Tropical Geography, Vol. 16, No. 2, 123-140

Goodstein, Elizabeth S. (2017) *Georg Simmel and the Disciplinary Imaginary*, Stanford: Stanford University Press

Pyyhtinen, Olli, (2010) *Simmel and 'the Social'*, London: Palgrave

Swedberg Richard, (1994) (Review by) *Money and the Modern Mind: Georg Simmel's Philosophy of Money* by Gianfranco Poggi, *Acta Sociologica*, Vol. 37, No. 2 (1994), pp.214-216

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی